

بررسی ارتباط شاخص توسعه انسانی (HDI) و نرخ جرائم خشونت بار در سال ۲۰۱۵ و

۲۰۱۶

سحر نخبوان^۱

محمد امینی زاده^۲

چکیده

وقوع جرم به عنوان یک پدیده نامطلوب، علل اجتماعی و اقتصادی متعدد داشته و موضوعی کلیدی در توسعه انسانی است که نمی توان از تاثیر و تأثر میان این دو شاخص غافل شد. توسعه انسانی شاخصی بین المللی متشکل از مولفه های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و آموزشی است. به دنبال این هدف هستیم که رابطه احتمالی میان شاخص توسعه انسانی و ارتکاب جرائم خشونت بار را بررسی و تحلیل نماییم. در این پژوهش سعی شد تا نرخ جرائم خشونت بار (آدم ربایی، قتل عمد، ضرب و جرح و ...) با استفاده از داده های ترکیبی مقطعی شاخص توسعه انسانی طی دوره دو ساله ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار بگیرد. در این پژوهش از روش کتابخانه ای، کمی، کاربردی و توصیفی استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان داد که در دوره مورد بررسی متغیر شاخص توسعه انسانی بر جرم ضرب و جرح شدید، قتل عمد، رابطه جنسی منجر به قتل مردان و زنان تاثیری معکوس دارد و با افزایش توسعه انسانی، بروز این جرائم کاهش می یابد. همچنین این نتیجه حاصل شد که شاخص توسعه انسانی هیچ رابطه معناداری با آدم ربایی ندارد و هیچ همبستگی میان این متغیرها نیست. میزان کنترل جرم و خشونت در دستیابی به اهداف توسعه ای تأثیرگذار است و امروزه با تأکید بر ارتباط این دو عرصه، توجه هم زمان به آنها در طراحی برنامه های توسعه ای و سیاست جنایی اثر بخش دانسته می شود؛ به گونه ای که تقابل جرم با تضعیف شاخص های سرمایه های اجتماعی و انسانی، اقتصاد و حاکمیت مردمی، آهنگ توسعه پایدار را کند می سازد.

واژگان کلیدی: شاخص توسعه انسانی، آمار جنایی، خشونت، جرائم خشونت بار

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

sahar.nakhjavan@gmail.com

^۲ عضو هیات علمی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

نخستین حرکت عملی در شکل گیری اندیشه توسعه پایدار در کنفرانس استکهلم سال ۱۹۷۲ انجام شد. در سال ۲۰۰۰ در نیویورک اجلاس هزاره سوم برگزار شد و علاوه بر آنکه دو سند مهم با عناوین بیانیه هزاره سوم و اهداف توسعه هزاره سوم در آن صادر گردید، هزاره سوم میلادی نیز هزاره توسعه نام گذاری گردید. از این رو مجامع جهانی به منظور ارزیابی توسعه پایدار ملل، نشانگر های گوناگونی را مطرح کرده اند از جمله، برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) با گزارش های منظم با نام گزارش توسعه انسانی (HDI) ارائه شده است. شاخص توسعه انسانی که توسط دفتر توسعه انسانی ارائه می شود، ارائه دهنده ی جدید ترین اطلاعات مربوط به توسعه ی جهانی است و شامل برآوردهای ملی، منطقه ای و جهانی می باشد. این آمارها، که ۲۱۵ اقتصاد جهان را در بر می گیرد، به صورت آمارهای سالیانه منتشر می شود. ارزش عددی شاخص توسعه انسانی بین صفر تا یک است. ارزش شاخص توسعه انسانی نشان می دهد که هر کشوری چه مقدار از مسیر خود را برای رسیدن به بالاترین ارزش ممکن یعنی عدد یک، طی کرده است و هم چنین امکان مقایسه بین کشورها را فراهم می کند .

از سوی دیگر پس از دهه ۱۹۷۰ موضوع میان رشته ای اقتصاد جرم و جنایت ظهور پیدا می کند و اندیشمندانی چون گری بکر در تلاش برای پیوند میان اقتصاد و جرم بودند و بر این باورند که کنترل جرم و خشونت، در دستیابی به اهداف توسعه ای تاثیر گذار است. به موازات پیشرفت صنایع و علوم و متحول شدن زندگی بشری، روابط انسانی نیز نسبت به قبل پیچیده تر شده است. در این راستا، مشکلات و معضلات روحی و روانی فراوانی در جوامع انسانی به وقوع پیوسته که این امر ضرورت بررسی گسترده و دقیق موضوعات روان شناختی نظیر پرخاشگری را ایجاب نموده است. به طوری که امروزه پرداختن به موضوع پرخاشگری منحصر به کتب روان شناسی نیست بلکه در دیگر حوزه های علمی هم چون روان پزشکی، آسیب شناسی روانی، روان شناسی اجتماعی و حتی جرم شناسی که یکی از شاخه های حقوق کیفری است، از جهات متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این مسئله، این تفکر برای ما ایجاد می گردد که جرم به مثابه موضوعی کلیدی در توسعه است و نمی توان از تاثیر و تاثر میان این دو شاخص چشم پوشی نمود. اما آنچه که در تحقیق حاضر حائز اهمیت است شناسایی تاثیر و تاثر HDI و جرائم خشونت بار است، در واقع سوال اصلی تحقیق آن است که هر یک از جرائم خشونت بار پنجگانه مورد نظر این پژوهش چه ارتباط معناداری با HDI دارد و شکل این ارتباط تا چه اندازه و به چه صورتی است.

مفهوم جرم

جرم مفهوم چندان جدیدی نیست لیکن یافتن تعریفی دقیق، جامع و مانع برای این مفهوم با مشکل روبرو بوده است، اما آن چه که بیش از همه می تواند جرم را تعریف نماید تعاریف حقوق دانان نهاد

های رسمی از جرم است که مستقیماً و به صورت تخصصی بر این امر تسلط دارند. «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود» (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲). «از این رو عده ای معتقد اند هر فعل یا ترک فعلی که موجب سلب آرامش، صلح و نظم اجتماعی گردد و قانون نیز برای آن مجازات تعیین کرده باشند جرم تلقی می گردد» (ژولیوس، ۱۳۷۶: ۳۲۰). بر اساس یک دیدگاه حقوقی «نقش قانون کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز ننماید و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می شود» (دانش، ۱۳۶۴: ۴۳). اما این تعریف تنها به وقوع جرم از طریق فعل اکتفا نموده است حال آنکه وقوع جرم از طریق ترک فعل نیز ممکن است. «در نظر گاروفالو در صورتی که به آن قسمت از حس دوستی و نیکوکاری که همیشه و همه جا مورد قبول واقع شده است دستبرد و اهانت کنند مرتکب جرم می شوند. اما نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می شود» (علی آبادی، ۱۳۷۰: ۴۱). به نظر می رسد این تعریف به ارکان سه گانه جرم اشاره می کند و از تکامل نسبی برخوردار است. توجه به رکن مادی و همچنین وجود قانون مملکتی به عنوان رکن قانونی و همین طور عدم تجویز اعمال حق به عنوان رکن روانی می تواند این تعریف از جرم را بر سیر تعاریف الویت بخشد. همچنین اشاره به این امر که تنها جرم پنداشتن به امر ملاک نیست بلکه برای تکمیل تعریف جرم نیازمند عامل دیگری نیز هستیم و آن تعیین مجازات از سوی مقنن برای مجرم است که در تعریف فوق لحاظ شده است و اگر عملی جرم شناخته بشود اما برای آن مجازاتی تعیین نشده باشد عملاً جرم محسوب نمی شود. یعنی مجازات یک عمل مجرمانه باید از طریق نهادی رسمی که صورت بگیرد، وقوع و کنترل جرم دارای هزینه های بالقوه است از جمله:

- ۱) هزینه های امنیتی پلیسی و بخش خصوصی
- ۲) تاثیر بر کیفیت زندگی خانوارها به خاطر رعب، خانواده مجرمین و قربانیان
- ۳) از دست رفتن افراد، اموال، از دست دادن قربانیان و منافع آتی آنان
- ۴) هزینه های سیستم نگهداری از مجرمان، افزایش هزینه بیمه خاص «حسینی نژاد، ۱۳۴: ۳۹».

ارتباط جرم و قانون

«وقتی در منابع حقوقی از قانون سخن گفته می شود و این منبع در برابر عرف به کار می رود، مقصود تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان های صالح دولت وضع شده است، خواه این سازمان قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضا قوه مجریه باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۲۰). در واقع قانون کیفری پل ارتباطی مردم یک جامعه با بایدها و نبایدهای رسمی است و همین طور دایره اختیارات دولت در جرم انگاری و مجازات را تعیین می نماید. در واقع قانون جزایی نشان دهنده

سیاست کیفری یک کشور است. اشاره به رکن قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین واکنش دولت به زیرپا گذاشتن قوانین که به صورت رسمی رخ می دهد نشان دهنده ی ارتباط تنگاتنگ جرم و قانون است. در واقع بدون قانون هیچ جرمی وجود ندارد. «بر اساس دیدگاه اخلاق گرایی قانونی، رفتار غیر اخلاقی مستوجب مجازات است، زیرا در تقابل با ارزش های بنیادین و برتری هستند که برای حساسات انسانی ضروری شده اند. دولت در دیدگاه اخلاق گرایی قانونی، تنها در مقام دفاع از منافع فرد یا افراد نیست؛ بلکه علاوه بر این منافع، برخی ارزش ها از چنان اهمیتی برخوردار هستند که دولت با ابزار جرم انگاری به دفاع از آن ها بر می خیزد» (برهانی و رهبرپور، ۱۳۹۰: ۵).

جرائم مورد مطالعه

ملاک انتخاب، آمار دقیق و گزارش های معتبر دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد و همچنین تطبیق تعاریف این جرائم با مولفه های اساسی جرائم خشونت بار می باشد.

الف - قتل عمد

« زمانی که فردی در زمان صلح با اختیار کامل هر موجود معقولی را به طور غیرقانونی می کشد» (بلک استون، ۱۷۶۵: ۱۰).

ب - روابط جنسی منجر به قتل مردان و زنان

روابط جنسی منجر به قتل در واقع زمانی رخ می دهد که قبل یا بعد از کشتن یک قربانی بر انگیزش جنسی، رفتار یا حمله توسط مجرم وجود دارد و هدف مجرم قتل نیست بلکه نیل به نیاز های جنسیتی است. که شایع ترین حالت آن قتل حین مقاربت برای لذت است» (اسکات، ۲۰۱۹: ۱).

ج - ضرب و جرح شدید

« حمله فیزیکی است و استفاده عمدی از زور بر فرد دیگر بدون توجیه قانونی که منجر به آسیب جسمی یا ناراحتی می شود» (فرس، ۲۰۰۶: ۱).

د - آدم ربایی

« آدم ربایی در عام ترین معنای خود زمانی رخ می دهد که فردی، فرد دیگر را با زور یا فریب توأم با قصد سو استفاده برای اهداف گوناگون حمل کند. آدم ربایی برای باجگیری که به آن آدم ربایی اقتصادی نیز گفته می شود جنایتی است که به جای یک مجرم اغلب توسط سازمان های تبهکاری پس از برنامه ریزی دقیق مراحل مختلف فرایند غیر قانونی رخ می دهد. در واقع به موقعیتی اشاره دارد که هدف اصلی معمولاً پرداخت پول برای آزادی گروگان و غنی سازی عاملان آن است» (وانینی، ۲۰۱۵: ۲).

مفهوم خشونت

خشونت چنان مفهوم گسترده و در عین حال ساده ای هست که یافتن تعریفی منطبق بر تمامی مصادیق و انواع آن میسر نیست. سازمان جهانی نفی خشونت، خشونت را چنین تعریف می نماید

«رسانیدن هر نوع ضرر به دیگران را خشونت گویند. نتیجتاً خشونت نه تنها اظهار خشم و غضب بوده، بلکه مساحت وسیعی را در بر می گیرد. اساس خشونت را ضرر رسانیدن به دیگران تشکیل می دهد، خواه ضرر مادی باشد یا معنوی، جسمی باشد یا روانی. خشونت عبارت از برخورد زشت و ناسالم با طرف مقابل است که باعث ایجاد غصه، قهر و یا هرگونه ناراحتی می گردد. در حقیقت خشونت عبارت از آن نوع عمل فردی یا گروهی است که باعث صدمه فیزیکی یا روانی گردیده و به ارزش های دیگران صدمه می زند» (سازمان جهانی نفی خشونت، ۲۰۱۹). به عبارتی خشونت ارتکاب هرگونه رفتار کلامی و غیر کلامی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به قصد آزار جسمی و روانی دیگران انجام می شود.

خشونت و جرم

از خفیف ترین جرائم که علیه اموال صورت می گیرد تا شدیدترین جنایاتی که علیه حیات انسان رخ می دهد همه از مصادیق خشونت هستند. زمانی که به هر علتی آستانه تحمل فرد شکسته شود و رفتار پرخاشگرانه انجام دهد تمام باید ها و نباید های قانونی را نیز نادیده می گیرد و قانون را زیر پا می گذارد. زمانی که خشونت در معنای منفی و غیر قانونی آن رخ می دهد فارغ از آسیب های عینی آن؛ آزادی، امنیت و حریم سایر افراد جامعه خدشه دار می شود. خشونت جنسی، اقتصادی، جسمی، روانی نبایدهای قانونی را زیر پا می گذارند و اینجاست که جرم مفهوم پیدا کرده و مجازات تعیین می گردد. با وجود اینکه جرم یکی از مصادیق خشونت و شاید بارزترین نوع آن است، ولی نمی توان تمام جرایم پیش بینی شده در قانون را زیر مجموعه خشونت دانست. همان طور که از تعریف خشونت بر می آید فقط زمانی خشونت تلقی می گردند که در آن ها عنصر تعرض به اصل عدم تعدی موجود باشد. پس باید به این مطلب اشاره نمود که هر خشونتی جرم نیست مانند ضرب و جرح در مقام دفاع مشروع همچنین هر جرمی نیز دارای حالت خشونت بار نیست مانند عدم ثبت واقعه ازدواج در ایران، البته خشونت دارای مفهوم نسبی بوده و در مصادیق آن شدت و ضعف وجود دارد، لذا باید به گونه ای تعریف شود که همه مصادیق را در برگیرد و از مفاهیم دیگری چون قدرت یا اقتدار، نیرو، زور و امثال آن متمایز گردد. اغلب زیر پا گذاشتن بسیاری از قوانین توأم با خشونت است. نتیجتاً اگر شخصی با بروز خشونت از قانون تخطی نماید مرتکب جرم شده است و پاسخ قانونی خواهد گرفت. این سیر کوتاه باعث پیوند خشونت، قانون، جرم و مجازات است.

مفهوم شاخص توسعه انسانی طبق تعریف برنامه توسعه و پیشرفت سازمان ملل «شاخص توسعه انسانی یا HDI برنامه ای در باب گسترش غنای زندگی انسان هاست، نه صرفاً ثروت اقتصادی که در زندگی انسان ها حاکم است. این رویکردی است که بر روی افراد، فرصت ها و انتخاب هایشان متمرکز شده است. روند توسعه انسانی حداقل باید محیطی را برای افراد، به صورت فردی و جمعی

ایجاد کند تا با تمام توان خود پیشرفت کرده و شانس معقولی برای پیشبرد زندگی تولیدی و خلاق برای آن‌ها داشته باشد» (برنامه توسعه و پیشرفت سازمان ملل، ۲۰۱۸).

HDI چکیده اندازه‌گیری‌های توسعه انسانی است. این شاخص میانگین موفقیت‌های بدست آمده در یک کشور در سه بعد اصلی توسعه انسانی یعنی "زندگی طولانی و سالم"، "دستیابی به دانش" و "استانداردهای زندگی آبرومندانه" را اندازه می‌گیرد و در واقع شاخصی است که با توجه به مولفه‌های فرااقتصادی میزان برابری فرصت‌ها و امکانات را در یک جامعه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اولین گزارش HDI توسط بانک جهانی از برنامه توسعه و پیشرفت سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ ارائه شد. رویکرد این برنامه آن است که انسان محور و ثروت اصلی یک جامعه است و یک دولت جدای از مسائل اقتصادی محض باید همت خود را بر افزایش امکانات و امنیت و پرورش قابلیت‌های انسانی بگذارند. همچنین اهمیت روز افزون این شاخص نشان می‌دهد که رشد اقتصادی محض و مبحث درآمد سرانه بالا به تنهایی برای بهبود و سنجش کیفیت زندگی در یک جامعه ملاک مناسبی نیست و کیفیت زندگی انسان‌ها دارای جنبه‌های مهمتری است. طبق تعریف UNDP افزایش خلاقیت، داشتن شانس معقول و برابر افراد در انتخاب، تمرکز بر فرصت‌ها توأم با رفاه اقتصادی می‌تواند کیفیت زندگی انسانی را دگرگون نماید و تنها ثروت اقتصادی شکوفایی زیستی و خلاقانه را ایجاد نمی‌کند و نیاز به این مکمل‌ها دارد. در محاسبه این شاخص قطعاً مردم سنج مناسبی هستند و در درجه اول اهمیت قرار دارند.

الف - امید به زندگی

مولفه‌ای است که میزان دستیابی نسبی هر کشور به امید به زندگی در بدو تولد را اندازه‌گیری می‌کند. سازمان بهداشت جهانی سلامت را اینگونه تعریف کرده است: «وضع مطلوب و خوب جسمی، روحی، روانی و اجتماعی یک فرد» (عباسپور، ۱۳۸۲ : ۲۵۲). این تعریف نشان می‌دهد که نه تنها سلامت جسمانی صرف بلکه سلامت تمامی ابعاد وجودی انسان مهم است. بهداشت روحی و روانی در کنار بهداشت جسمانی و اجتماعی می‌تواند سنج مناسبی برای افزایش امید به زندگی باشد. داشتن جامعه سالم با امید به زندگی بالا، دولت‌ها را از صرف هزینه‌های گزاف درمانی و پوشش نیروی انسانی فرسوده معاف کرده، همچنین سن فعالیت و تولید یک جامعه را فزونی می‌بخشد.

ب - آموزش

این شاخص دستیابی یک کشور را به نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد را اندازه می‌گیرد. «آموزش همواره به عنوان وسیله‌ای مطمئن در جهت بهبود کیفیت عملکرد و حل مشکلات مدیریت مد نظر واقع و فقدان آن نیز یکی از مسائل اساسی و حاد هر سازمان را تشکیل می‌دهد. بدین جهت برای تجهیز نیروی انسانی سازمان و بهسازی و بهره‌گیری هرچه مؤثرتر از این نیرو، بی‌شک آموزش یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین تدابیر و عوامل برای بهبود امور

سازمان به شمار می رود» (شریعتمداری، ۱۳۸۳: ۱۲۲). این تفسیر نشان می دهد که رکن اول تولید و بهره وری، نیروی کار انسانی است و در صورت فقدان نیروی متخصص و آموزش دیده پیشرفت میسر نخواهد شد. مشکلات و نوآوری توسط ذهن خلاق انسانی صورت می گیرد و درصد خطا را کاهش می دهد ضمن آن که صرف وجود ماشین آلات پیشرفته و تکنولوژی بدون وجود نیروی ماهر، مشکلات محتمل آینده را حل نخواهند کرد.

پ- تولید ناخالص داخلی

«تولید ناخالص داخلی و به اختصار (GDP) به ارزش پولی (مبلغ) تمامی کالا و خدماتی گویند که در بازه زمانی مشخصی در داخل مرزهای یک کشور تولید می شود. تولید ناخالص داخلی معمولاً به عنوان شاخصی برای سلامت اقتصادی کشور تلقی می گردد که حاکی از استاندارد زندگی مردم کشور نیز می باشد» (واژه نامه بورسیسنس، ۲۰۱۹).

نظریه ژان دولارد

«دولارد در زمینه اثرات توسعه در رفتارهای خشونت آمیز، معتقد است که انسان به طور معمولی به علت کشمکش درونی که در اثر محرومیت ها در او ایجاد می شود، واکنش نشان می دهد. یعنی رفتار خشونت آمیز انسان اساساً واکنش در مقابل محرومیت است. این عامل محرومیت است که واکنش های خشونت آمیز را تحریک می کند. پس از بررسی های مداوم خود چنین نتیجه می گیرد که عدم توسعه و فرصت برابر واکنش های خشن و تند ضد اجتماعی را تحریک می کند؛ زیرا عدم برابری، ترس از کیفر را به حداقل می رساند. این افراد وسایلی برای رفع نیاز های اولیه خود و توانایی پرداخت غرامت های ناشی از جرایم را ندارند. افرادی که نابرابری را تجربه می کنند مسئولیت عمل ضد اجتماعی را متوجه بی سامانی اجتماع خود می دانند.» (روسک، ۱۳۵۵: ۱۸۲). این نظریه نشان می دهد نابرابری در توسعه، افزایش رفتار های ضد اجتماعی و قانون شکنی را ایجاد می کند. طبق این نظریه به هر میزان که نابرابری کاهش یابد و توسعه فزونی یابد، تحریکات تند ضد اجتماعی نیز کاهش می یابد. HDI نیز حاصل محاسبات آماری محرومیت و فقر و عوامل متعدد دیگری است که با افزایش سطح آن میزان هنجار شکنی و بروز خشونت کاهش می یابد. در واقع دولارد معتقد است که نابرابری در فرصت ها و محرومیت علت اصلی هنجارشکنی و جرم است؛ نابرابری و محرومیت از شاخصه های محاسبه HDI است که در این پژوهش به عنوان عامل بروز بعضی از جرائم خشن معرفی شده است و با افزایش آن در واقع محرومیت و نابرابری کاهش می یابد و نتیجتاً ارتکاب جرائم خشونت بار نیز کاهش خواهد یافت.

نظریه کلوارد و اوهلین

«ضمن قبول وجود فشار ناشی از نابرابری فرصت ها، ارتکاب جرم توسط طبقه فرودست را معلول کسب اهداف سودجویانه می دانستند و معتقد بودند که افراد در پی اهداف کسب جایگاه و منزلت

بالتر نیز می باشند. کلوارد می گوید: تخلف، شکلی از راه حل جمعی اتخاذ شده به وسیله طبقه پایین است که از سرخوردگی ناشی می شود، سرخوردگی نیز معلول فقدان فرصت ها برای پیشرفت است» (کشکولی، ۱۳۹۰: ۱۲). عدم توسعه و نابرابری فرصت ها و حتی فقدان فرصت موجب ارائه ی راه حل های جمعی به صورت خشونت و قانون شکنی با هدف کاهش فشار نابرابری است. این نظریه جرم را محصول واکنش طبقه فرودست جامعه به علت سرخوردگی و نابرابری می داند، لیکن جرم مقوله ای نیست که تنها در یک طبقه خاص اجتماعی رخ بدهد و تلاش برای جایگاه بالاتر توسط طبقه متمول نیز رخ می دهد ضمن آنکه جرائم یقه سفیدان، جرائم سیاسی، اختلاس و ارتشا توسط طبقات بالا صورت می گیرد. شاید بتوان نظریه کلوارد را چنین تفسیر کرد که طبقه فرودست و طبقه بالا دست هر کدام اغلب جرائم خاص طبقه خود را انجام می دهند، پس برای کنترل هر طبقه باید شیوه ای جداگانه اتخاذ نمود؛ از این رو برای جلوگیری از جرائم طبقه پایین دست و متوسط که عمده جمعیت یک جامعه را تشکیل می دهند باید الگوهای توسعه ای را در جهت ایجاد فرصت دنبال کرد. نابرابری و فقدان فرصت خود معلول عدم توسعه و سطح پایین HDI است، که با جبران سطح پایین آن می توان حرکت های اجتماعی منفی را کنترل نمود. نظریه فوق الذکر نشان می دهد که جرم محصول عدم ارضا حس جاه طلبی به علت محرومیت و سرخوردگی ناشی از نابرابری فرصت هاست HDI. به عنوان شاخصی که محرومیت ها و نابرابری ها را مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد و با نرخ ارتکاب جرائم در ارتباط است. در واقع با افزایش آن، میزان سرخوردگی و ناکامی ناشی از نابرابری کاهش می یابد و طبعاً نرخ جرائم کاهش خواهد یافت.

نظریه مور رکس و پال

« وجود منابع کمیاب به صورت محدود میان افراد موجب ستیز گروه های خواهان دستیابی به آن ها است. منبع کمیاب شهری و چگونگی توزیع این منابع و نابرابری در دسترسی به منابع مطلوب موجب بروز پرخاشگری های اجتماعی می گردد. نابرابری در توزیع منابع تا حد بسیار زیادی معلول رفتار و تقسیم بندی دست اندرکاران قدرت و مقامات است» (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۰). این نظریه نشان می دهد نه تنها محدودیت منابع به تنهایی موجب بروز قانون شکنی نیست بلکه شیوه تقسیم منبع و نحوه ی دستیابی به امکانات تاثیر به سزایی در بروز پرخاشگری دارد. البته رکس و پال معتقدند شیوه ی توزیع منابع کمیاب شهری علت عمده جرائم است و دقیقاً برای بروز جرم در مناطق روستایی، جرائم سیاسی، تخلفات اداری و حتی نحوه تاثیر عدم تعادل امکانات شهری بر ستیزه های گروهی برون شهری توجیهی ندارند. بدین نحو که توسعه و برابری افراد در دستیابی به اهداف و HDI بالا موجب رضایت افراد و شانس مساوی برای برخورداری از منابع مطلوب است و همین امر موجب کاهش سطح ناراضایتی و خشونت می گردد HDI. به عنوان توسعه ای همه جانبه می تواند واکنش های یک جامعه را هدایت نماید HDI. با بالابردن سطح توسعه و توزیع برابر فرصت ها در

جهت کاهش محدودیت نقش فعالی دارد و در خنثی سازی علت اصلی جرائم خشونت بار نقش مؤثری را ایفا می نماید.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش: تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده ها کمی بوده و توصیفی از نوع همبستگی می باشد. برای گردآوری اطلاعات مربوط به پیشینه و ادبیات تحقیق، از روش کتابخانه ای استفاده شده است .

(۱) جامعه آماری: در این تحقیق، جامعه ی آماری کلیه کشورهای بودند که نرخ شاخص توسعه انسانی و جرم را در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ گزارش کرده بودند. ملاک انتخاب شورایی بود که آمار نسبتاً مرتب و منظمی را هر ساله به مراکز بین الملل ارائه دادند

(۲) متغیرهای پژوهش: در تحقیق حاضر، متغیر ملاک نرخ ارتکاب جرائم خشونت بار می باشد و متغیر پیش بین شاخص توسعه انسانی می باشد.

(۳) قلمرو مکانی و زمانی پژوهش: قلمرو زمانی و مکانی شامل شورایی کشورهای است که در بازه زمانی سال ۲۰۱۵ و سال ۲۰۱۶ به صورت مرتب آمارشان در دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل و همچنین دفتر شاخص توسعه انسانی اعلان و به ثبت رسیده است، بدیهی است کشورهای که فاقد آمار جنایی هستند از شمول این پژوهش خارج اند.

(۴) نرم افزار تحلیل داده ها: جهت بررسی داده های آماری از نرم افزار SPSS 24 استفاده شد. ضریب خطای ۰/۰۵٪ در محاسبات آماری این پژوهش لحاظ گردید .

یافته های تحقیق

در این بخش به بررسی نتایج و یافته های نهایی پژوهش پرداخته و سپس یافته های استنباطی گزارش می شود که شامل نتایج فرضیه های پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱- آزمون تست نرمال بودن و آزمون همبستگی پیرسون بین (HDI) و جرائم خشونت بار در سال ۲۰۱۵

متغیرها	آماره ی کولموگروف اسمیرنوف	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
HDI 2015	۰,۰۵۵	۷۶	۰,۱۱۰	نرمال است.		
نرخ قتل عمد ۲۰۱۵	۰,۰۶۰	۷۶	۰,۱۵۳	نرمال است.		
HDI و جرم قتل					-۰,۴۷۸	۰,۰۰۰

۱۰ ■ بررسی ارتباط شاخص توسعه انسانی (HDI) و نرخ جرائم خشونت بار در سال ...

						عمد ۲۰۱۵
		نرمال است.	۰,۰۵۵	۴۵	۰,۰۶۲	HDI 2015
		نرمال است.	۰,۰۵۶	۴۵	۰,۰۴۷	نرخ روابط جنسی منجر به قتل مردان ۲۰۱۵
۰,۰۰۰	-۰,۵۵۴					HDI و جرم روابط جنسی منجر به قتل مردان ۲۰۱۵
		نرمال است.	۰,۱۷۳	۴۵	۰,۱۰۳	HDI 2015
		نرمال است.	۰,۲۰۰	۴۵	۰,۱۰۹	نرخ روابط جنسی منجر به قتل زنان ۲۰۱۵
۰,۰۱۶	-۰,۴۱۵					HDI و جرم روابط جنسی منجر به قتل زنان ۲۰۱۵
		نرمال است.	۰,۰۸۱	۲۷	۰,۱۵۸	HDI 2015
		نرمال است.	۰,۰۷۴	۲۷	۰,۱۵۳	نرخ ضرب و جرح شدید ۲۰۱۵
۰,۰۰۳	-۰,۶۸۸					HDI و جرم ضرب و جرح شدید ۲۰۱۵
		نرمال است.	۰,۱۴۵	۲۸	۰,۱۴۴	Hdi2015
		نرمال است.	۰,۱۰۴	۲۸	۰,۱۰۶	نرخ آدم ربایی ۲۰۱۵
۰,۵۱۰	-۰,۱۲۷					HDI و جرم آدم

						ربایی ۲۰۱۵
--	--	--	--	--	--	------------

جدول ۱ نشان می دهد که میان شاخص توسعه ی انسانی (HDI) و جرم قتل عمد ارتباط معنادار دارند. مقدار ضریب همبستگی پیرسون $-0,478$ و سطح معناداری $0,05 > 0,000$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم قتل عمد در سال ۲۰۱۵ ارتباط معنادار وجود دارد. با توجه به منفی بودن مقدار این ضریب همبستگی، رابطه ی بین شاخص توسعه ی انسانی و جرم قتل عمد یک رابطه ی معکوس می باشد بدین مفهوم که با افزایش یکی، دیگری کاهش می یابد و بلعکس.

مقدار ضریب همبستگی پیرسون $-0,554$ و سطح معناداری $0,05 > 0,000$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل مردان در سال ۲۰۱۵ ارتباط معنادار وجود دارد .

با توجه به منفی بودن مقدار این ضریب همبستگی، رابطه ی بین شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل مردان یک رابطه ی معکوس می باشد بدین مفهوم که با افزایش یکی، دیگری کاهش می یابد و بلعکس.

مقدار ضریب همبستگی پیرسون $-0,415$ و سطح معناداری $0,05 > 0,016$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل زنان در سال ۲۰۱۵ ارتباط معنادار وجود دارد. منفی بودن ضریب همبستگی نشان دهنده ی وجود رابطه ی معکوس بین این دو متغیر است بدین مفهوم که با افزایش یکی، دیگری کاهش می یابد و بلعکس.

مقدار ضریب همبستگی پیرسون $-0,688$ و سطح معناداری $0,05 > 0,003$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم ضرب و جرح شدید در سال ۲۰۱۵ ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار منفی این ضریب نشان می دهد که بین این دو متغیر رابطه ای معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش شاخص توسعه ی انسانی در سال ۲۰۱۵، میزان جرم ضرب و جرح شدید کاهش یافته است.

مقدار ضریب همبستگی پیرسون $-0,127$ و سطح معناداری $0,05 < 0,510$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم آدم ربایی در سال ۲۰۱۵ ارتباط معنادار وجود ندارد.

جدول ۲- آزمون تست نرمال بودن و آزمون همبستگی پیرسون بین (HDI) و جرائم خشونت بار در

سال ۲۰۱۶

متغیرها	آماره ی کولموگروف اسمیرنوف	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
HDI 2016	۰,۰۱۹	۷۶	۰,۱۲۰	نرمال است.		
نرخ قتل عمد ۲۰۱۶	۰,۰۲۲	۷۶	۰,۱۲۰	نرمال است.		
HDI و جرم قتل عمد ۲۰۱۵					-۰,۳۶۲	۰,۰۰۱
HDI 2016	۰,۰۵۶	۴۵	۰,۰۷۶	نرمال است.		
نرخ روابط جنسی منجر به قتل مردان ۲۰۱۶	۰,۰۷۱	۴۵	۰,۰۵۲	نرمال است.		
HDI و جرم روابط جنسی منجر به قتل مردان ۲۰۱۶					-۰,۴۷۰	۰,۰۰۱
HDI 2016	۰,۱۰۱	۴۵	۰,۱۲۸	نرمال است.		
نرخ روابط جنسی منجر به قتل زنان ۲۰۱۶	۰,۰۹۸	۴۵	۰,۲۰۰	نرمال است.		
HDI و جرم روابط جنسی منجر به قتل زنان ۲۰۱۶					-۰,۴۳۴	۰,۰۰۳

		نرمال است.	۰,۰۷۵	۲۷	۰,۱۲۶	HDI 2016
		نرمال است.	۰,۰۸۶	۲۷	۰,۱۰۱	نرخ ضرب و جرح شدید ۲۰۱۶
۰,۰۰۲	-۰,۶۱۲					HDI و جرم ضرب و جرح شدید ۲۰۱۶
		نرمال است.	۰,۲۴۲	۲۸	۰,۱۱۶	HDI 2016
		نرمال است.	۰,۱۲۶	۲۸	۰,۱۰۴	نرخ آدم ربایی ۲۰۱۶
۰,۷۱۳	-۰,۰۷۳					HDI و جرم آدم ربایی ۲۰۱۶

طبق جدول ۲ مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0,362-$ و سطح معناداری $0,001 > 0,05$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم قتل عمد در سال ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد (علامت منفی ضریب همبستگی جهت معکوس رابطه را نشان می دهد).

مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0,470-$ و سطح معناداری $0,001 > 0,05$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل مردان در سال ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد. بنابراین بطور کلی می توان گفت بین شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل مردان ارتباط معنادار (در جهت عکس) وجود دارد.

طبق جدول ۲ مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0,434-$ و سطح معناداری $0,003 > 0,05$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل زنان در سال ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد. بنابراین بطور کلی می توان گفت بین شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل زنان ارتباط معنادار (در جهت عکس) وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0,612-$ و سطح معناداری $0,002 < 0,05$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم ضرب و جرح شدید در سال ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد. (علامت منفی نشان دهنده ی رابطه ی معکوس بین دو متغیر است).

مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0,073-$ و سطح معناداری $0,713 < 0,05$ گزارش شده است که نشان می دهد بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم آدم ربایی در سال ۲۰۱۶ ارتباط

معنادار وجود ندارد. بنابراین بطور کلی می توان گفت بین شاخص توسعه ی انسانی و جرم آدم ربایی ارتباط معنادار وجود ندارد.

نتیجه

این پژوهش نشان داد که الگوی آدم ربایی با توجه به آمارهای موجود با نظریه های رایج در این زمینه هم خوانی ندارد و به نوعی نتایج به دست آمده به رد نظریه های غالب در این زمینه منجر می شود. لیکن الگو قتل عمد، روابط جنسی منجر به قتل مردان و زنان، ضرب و جرح شدید با توجه به نتایج آماری موجود، کاملاً با نظریات و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه هم خوانی دارند .

(۱) میان متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و قتل عمد در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد. با توجه به منفی بودن مقدار این ضریب همبستگی، رابطه بین شاخص توسعه انسانی و جرم قتل عمد یک رابطه ی معکوس می باشد بدین مفهوم که با افزایش یکی، دیگری کاهش می یابد و بالعکس. این نتیجه با نظریه هنری و شرت مطابقت دارد. همچنین نتایج حاصله با نظریه ژان دولارد نیز کاملاً هماهنگ است .

(۲) بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم روابط جنسی منجر به قتل مردان در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد. با توجه به منفی بودن مقدار این ضریب همبستگی، رابطه بین شاخص توسعه انسانی و روابط جنسی منجر به قتل مردان معکوس می باشد بدین مفهوم که با افزایش یکی دیگری کاهش می یابد و بالعکس. نتیجه فوق با نظریه هنری و شرت مطابقت دارد. همچنین نتایج حاصله با نظریه ژان دولارد نیز کاملاً هماهنگ است.

(۳) بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و روابط جنسی منجر به قتل زنان در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد. منفی بودن ضریب همبستگی نشان دهنده ی وجود رابطه ی معکوس بین این دو متغیر است بدین مفهوم که با افزایش یکی، دیگری کاهش می یابد و بالعکس. نتیجه فوق با نظریه هنری و شرت مطابقت دارد. همچنین نتایج حاصله با نظریه ژان دولارد و مور رکز نیز کاملاً هماهنگ است.

(۴) بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم ضرب و جرح شدید در سال ۲۰۱۵ ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار منفی این ضریب نشان می دهد که بین این دو متغیر رابطه ای معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش شاخص توسعه ی انسانی در سال ۲۰۱۵، میزان جرم ضرب و جرح شدید کاهش یافته است. همچنین بین متغیرهای شاخص توسعه انسانی و جرم ضرب و جرح شدید در سال ۲۰۱۶ ارتباط معنادار وجود دارد. (علامت منفی نشان دهنده ی رابطه ی معکوس بین دو متغیر است.) بنابراین بطور کلی می توان گفت بین شاخص توسعه ی انسانی و جرم ضرب و جرح شدید ارتباط معنادار (در جهت معکوس) وجود دارد ، نتیجتاً این دو مفهوم دارای همبستگی اند. نتایج حاصله با نظریه ژان دولارد نیز کاملاً هماهنگ است .

۵) بین متغیرهای شاخص توسعه ی انسانی و جرم آدم ربایی در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ ارتباط معنادار و همبستگی وجود ندارد .

پیشنهادات

۱) بروز و گسترش جرم باعث وجود آمدن هزینه های کلان مادی و غیرمادی در سطح جامعه می شود. از جمله هزینه های افزایش جرم می توان به ایجاد ناامنی در بین افراد جامعه و هزینه های مادی مبارزه با مجرمان و سیستم قضایی اشاره کرد .

۲) از آنجا که HDI متشکل از مولفه های متنوع بهداشتی، آموزشی، اقتصادی و ... است سرمایه گذاری دولتی در هر کدام از موارد فوق در کاهش جرائم قتل عمد، ضرب و جرح شدید و رابطه جنسی منجر به قتل می تواند موثر واقع گردد. لیکن کنترل و کاهش جرائمی چون آدم ربایی نیازمند توجه به عوامل دیگر هست. زیرا آمار نشان داد که سطح HDI عملاً ارتباطی با نرخ ارتكابی این جرائم ندارد. و برای کنترل این جرائم باید به دنبال متغیر پیش بین و متغیر تصادفی دیگری بود.

۳) سیاست گذاری در جهت تسهیل روند فعالیت های بخش خصوصی برای تسریع در روند توسعه انسانی می تواند با ایجاد شغل، افزایش فرصت انتخاب، بهبود خدمت رسانی در این امر موثر باشند، چرا که بالا رفتن سطح توسعه باعث کاهش جرائم خشونت بار در جامعه می گردد.

منابع فارسی

- افروغ، عماد(۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
- برهانی، محسن و رهبریور، محمدرضا(۱۳۹۰)، چرایی جرم انگاری در قلمرو اخلاق زیستی، فصل نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، ص ۴۲-۶۰
- حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۴)، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده های تلفیقی: مورد سرقت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۵، ص ۳۶- ۸۱
- دانش، تاج زمان(۱۳۶۴)، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟، تهران، نشر دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان
- روسک، جوزف و وارن، رولند، ترجمه احمد کریمی(۱۳۷۰)، مقدمه بر جامعه شناسی، تهران، نشر عالی حسابداری
- شریعتمداری، مهدی (۱۳۸۳)، نظریه ها و الگوهای بازآموزی منابع انسانی در سازمان(چاپ دوم)، تهران، انتشارات یکان
- عباسپور، عباس (۱۳۸۲)، مدیریت منبع انسانی پیشرفته رویکردها، فرایندها، کارکردها(چاپ اول)، تهران، انتشارات سمت
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۰)، حقوق جنایی (چاپ سوم)، جلد ۱، انتشارات فردوسی
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲
- کاتوزیان، ناصر(۱۳۸۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران(چاپ ۶۶)، تهران، شرکت سهامی انتشارات
- کشکولی، کریم (۱۳۹۰)، تبیین جامعه شناختی تمایل به خشونت، رساله دکترا رشته جامعه شناسی، دانشگاه تهران
- گولد، جولیوس و ویلیام، کولب، ترجمه باقر پرهام و دیگران (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، نشر مازیار